

تاریخنگاری دوره مغول

(معرفی و بررسی منابع)

علی ططری

مدخل:

تهاجم مغول به دنیای متمدن (در اوایل قرن هفتم هجری) در آغاز نشانه‌های یک انحطاط عظیم تاریخی را پدیدار نمود، فرایندی که در ایران بیش از سی تا چهل سال نپایید. این رخداد بزرگ تاریخی باعث تحولات مهمی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، ادبی و... گردید. بیشتر ایرانیان، تاریخ مغول را عجیب شده با حمله چنگیز و خونخواری وی تصور می‌کنند. این یک سونگری باعث شده است که دیگر زوایای حکومت مغول به ویژه در دوره ایلخانان تا حد زیادی نادیده انگاشته شود. گسترش و بسط زبان فارسی و تشویق نویسندگان به خلق آثاری به این زبان از جمله خدمات ایلخانان بود که تاریخنگاری این دوره نیز در سایه آن رشد یافت. حمایت ویژه و مؤثر ایلخانان مغول از مظاهر علمی و فرهنگی از جمله تاریخنگاری، منابع بی‌نظیر و باارزشی از این دوره به جای گذارده است که مهمترین و ارزشمندترین ابزار کار محققان در پژوهش‌های مربوط به این دوره تاریخی به شمار می‌روند. تاریخنگاری ایران در دوره مغول و ایلخانی با تألیف کتاب‌های متنوع در سبک‌ها و روش‌های مختلف، تحولی بی‌نظیر است که تاریخ ایران تا آن زمان به خود ندیده بود. آثاری که در قالب تاریخ، دربردارنده مسائل سیاسی، نظامی، جغرافیایی، ادبی و... نیز می‌باشد.

به دلیل اهمیت موضوع هر یک، تحقیقات درخوری در مورد آنها انجام شده است و با توجه به این که حوزه فتوحات مغولان بسیار گسترده و از وقایع تاریخی جهان محسوب می‌شود، در نتیجه در تمام تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی از تاریخ این دوره صورت گرفته است و پایگاه‌ها و مدخل‌های فراوانی در خصوص تاریخ مغول در شبکه‌های اینترنتی ایجاد گردیده است که ابعاد مختلف مطالعات مغول و ایلخانان را شامل می‌شود.

با توجه به موارد فوق، نگارنده در این مقاله سعی دارد به معرفی و بررسی مهمترین منابع مغول در ارتباط با تاریخ ایران بپردازد. البته ذکر تمام منابع این دوره کاری بس دشوار است ولی تا حد ممکن تلاش شده است به مهمترین و اصلی‌ترین منابعی که به طور مستقیم به تاریخ این دوره پرداخته‌اند، اشاره شود. نخست به مهمترین ویژگی‌های تاریخنگاری دوره موردنظر و علت پیشرفت آن اشاره می‌شود و سپس منابع آن در دسته بندی مشخصی ارائه می‌گردد. معرفی منابع خارجی و نقد و بررسی منابع فارسی و عربی نیز در پی آمده‌اند.

الف- ویژگی‌های تاریخنگاری دوره مغول

مهمترین ویژگی‌های تاریخنگاری این دوره عبارت است از:

منابع فراوان و در عین حال ارزشمندی از دوره مورد بحث به جای مانده است که

۱- منابع فارسی به طور عمده توسط شخصیت‌هایی تألیف شده است که در خدمت

حکام مغول و از طبقه دیوانسالاری بوده‌اند. آنان به دلیل روابط حسنه با این حکام، تاریخ را مطابق میل آنها نوشته‌اند. افرادی چون عطاملک جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، و صاف و...^۲

۲- بیشتر تواریخ این دوره بی‌طرفانه و یا برپایه واقعیت نوشته نشده‌اند، بلکه غالباً با حب و بغض‌ها و غرض‌ورزی‌های نویسندگان همراه هستند.^۳

۳- پیشرفت تاریخنگاری به زبان فارسی (تعداد زیادی از منابع این دوره به زبان فارسی نوشته شده‌اند).^۴

۴- رشد قابل توجه تألیفات تاریخی به لحاظ کمیت و کیفیت.^۵

۵- تاریخنگاری هدفمند گردید و نظم و سامان تازه‌ای یافت که البته این امر موجب رونق و غنای آن گردید.^۶

۶- شیوه‌های جدیدی در تاریخنگاری پدید آمد.^۷

۷- منابع این دوره به لحاظ زبان‌ها و سبک‌های مختلف، تنوع زیادی دارند.

۸- تاریخنگاری بیشتر از سایر رشته‌های ادبی پیشرفت نمود.^۸

۹- نقش اسناد و منابع در تألیف کتب تاریخی پررنگ شد.^۹

۱۰- کلمات مغولی وارد تاریخنگاری ایران گردید.^{۱۰}

اما به طور کلی تاریخنگاری تا پیش از انقلاب مشروطیت در ایران چند ویژگی خاص دارد که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اول: بینش تاریخنگاری ایران تا دوره مشروطیت یک بینش اسلامی است. یعنی مورخان با مایه‌گیری از ایدئولوژی اسلامی، تاریخ‌های خود را می‌نگاشتند.

دوم: عنصر ذیل‌نویسی که از ویژگی‌های تاریخنگاری ایران است. برخی از مورخان که قصد نگارش یک تاریخ عمومی را داشتند تواریخ پیش از خود را واژه به واژه و کلمه به کلمه در ابتدای تألیفاتشان درج می‌کردند و پس از آن، وقایع زمانی را که خود ناظر آنها بودند، بدان می‌افزودند.

سوم: تاریخنگاری این دوره به ندرت از زنان مشهور و مؤثر در تاریخ سخن می‌گوید. چهارم: عنصر متکلف بودن و پیچیده نوشتن تواریخ از ویژگی‌های بارز منابع فارسی دوره موردنظر است که حتی در برخی از متون این دوره مؤلف خود به این موضوع اذعان داشته است.

پنجم: تمایل تدریجی به استفاده از زبان ملی به جای زبان تازی به ویژه از قرن هفتم به بعد اوج می‌گیرد. ششم: توجه مورخان به طبقات بالای جامعه یعنی طبقه حاکمه و دیوانسالاری و شرح طولانی جنگ‌ها و بی‌توجهی به مسائل اجتماعی، فرهنگی و طبقات فروتر جامعه از ضعف‌های منابع ایرانی این دوره به شمار می‌آید.

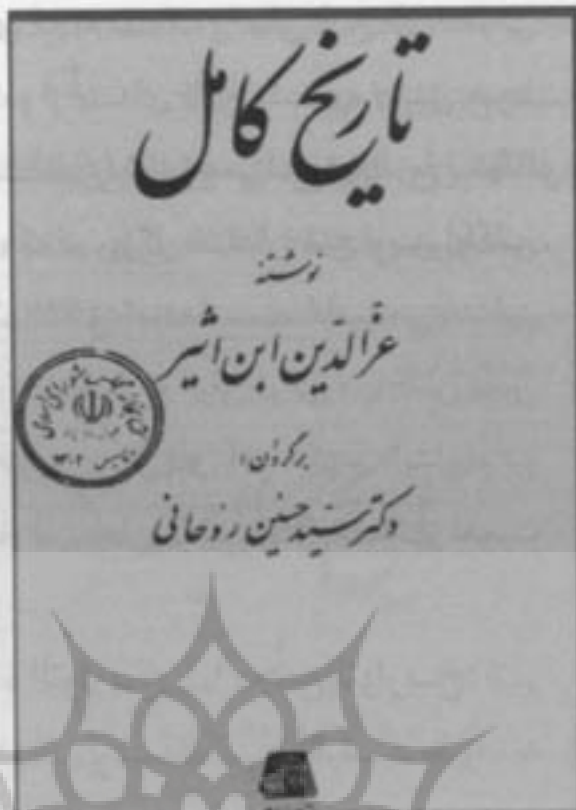
ب- علل پیشرفت تاریخنگاری دوره مغول

- ۱- علاقه مغولان به ثبت فتوحات و تفاخر قبیله ای خویش.
- ۲- وقوع رویدادهای بزرگ و مهم در آن زمان یکی از علل پیشرفت فن تاریخ‌نویسی و از عوامل تشویق مورخان به ضبط حوادث و وقایع به شمار می‌رود.
- ۳- برخورد افکار مختلف در نتیجه ایجاد روابط با ملل اروپایی و درباری‌های مسیحی و ورود اطلاعات و نیز فنون چینی و مغولی به ایران و ذوق و توجه مورخان بزرگ به تاریخ ملل دیگر و کسب اطلاعات و مطالب جدید راجع

به تاریخ مغول.

۴- تأثیر و تشویق شخصیت ایلخانانی همچون غازان در بسط و گسترش تاریخنگاری مغول را نباید از نظر دور داشت.

۵- دانش و آگاهی بالای خاندان‌های دیوانسالار ایرانی به ویژه جوینی و رشیدی.



۶- نتایج جنگ‌های صلیبی و روابط بین ملل مختلف.

۷- مورخان عرب به علت خصومت با مغولان، به نگارش متون جدیدی در مخالفت با آنها پرداختند و این دلیل مهمی بود در پدید آمدن آثار ارزشمندی از سوی این نویسندگان.

ج- انواع تاریخنگاری دوره مغول

۱- تواریخ عمومی

الکامل فی التاریخ: عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکریم الشیبانی معروف به ابن‌اثیر در سال ۵۵۵ قمری در جزیره ابن‌عمر، یکی از جزایر رودخانه دجله به دنیا آمد و در سال ۶۳۰ قمری درگذشت. وی که یکی از مشهورترین مورخان اسلامی بود، معروفترین اثر خود **الکامل فی التاریخ** یا **تاریخ کامل** را به نام بدرالدین لؤلؤ، حاکم موصل، که شامل تاریخ وقایع عالم از ابتدا تا سال ۶۲۸ قمری است، تألیف نمود. این کتاب در سال ۱۸۱۵ میلادی در دوازده جلد توسط تورنبرگ در لیدن چاپ شد. ابن‌اثیر از

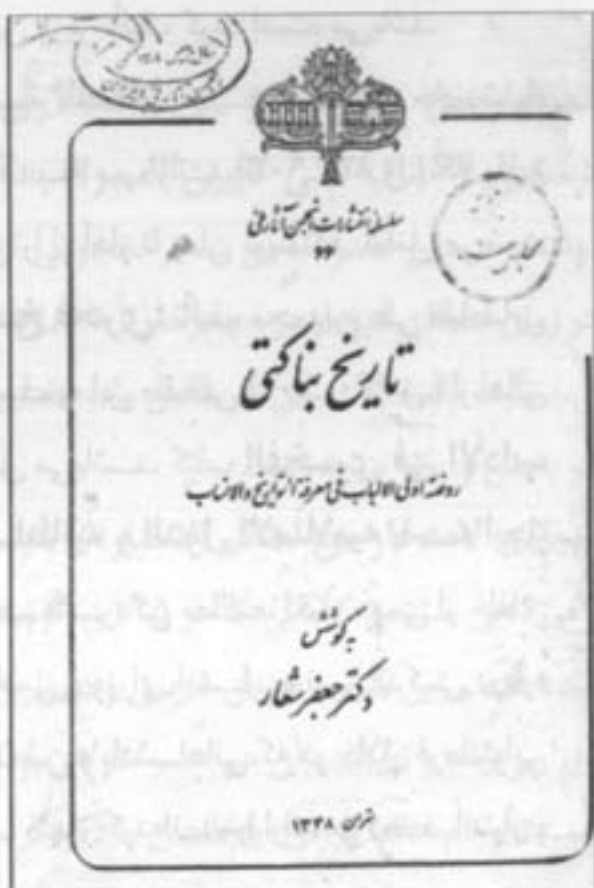
منابع مهمی همچون **فتوح البلدان بلاذری**، **تاریخ طبری** و **تجارب الامم** ابن‌مسکویه استفاده کرده است. از ابن‌اثیر کتاب دیگری به نام **الباهر** به جای مانده است.^{۱۱} ابن‌اثیر برای دوره ۶۰۷ - ۴۷۷ ق. / ۱۲۱۰ - ۱۰۸۴ م. دو نوع سند ارائه می‌دهد: یکی در **الکامل** در دنباله تاریخ عمومی و دیگری در **تاریخ اتابکان**. با وجود آن که **الکامل** قبل از **الباهر** تألیف شده است، ابن‌اثیر آن را بعد از سال ۶۱۹ ق. / ۱۲۲۲ م. یعنی دست کم حدود یازده سال پس از انتشار **الباهر** منتشر کرده است.^{۱۲}

نظام التواریخ:^{۱۳} تألیف ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی اهل بیضاوی شیراز. این کتاب در چهار قسم نوشته شده است و تاریخ ایران را از ابتدا تا حمله مغول بیان می‌دارد و در حقیقت تاریخی عمومی است.

جامع التواریخ:^{۱۴} تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله همدانی (۷۱۸-۶۴۵ ق.). یکی از مشاهیر و دانشمندان دوره مغول است که در دوره غازان مأمور نگارش کتابی درباره سلاطین مغول شد. تألیف کتاب در سال ۷۱۰ ق. در سه مجلد و به شرح زیر پایان یافت:

جلد اول به مغولان و قبایل ترک اختصاص دارد و در دو فصل نگاشته شده است. این جلد به تاریخ غازانی مشهور است.

جلد دوم تاریخ عمومی است و شامل یک



مقدمه و دو قسمت می‌شود.

جلد سوم در بیان صورالاقالیم و مسالک و الممالک بوده است که البته اثری از این جلد در دست نیست. در ضمن، کتاب دیگری از خواجه رشیدالدین در دسترس می‌باشد به نام **مکاتبات خواجه رشیدالدین یا سوانح الافکار رشیدی** که توسط مولانا محمد ابرقوهی تدوین و گردآوری شده است. این کتاب برای نخستین بار در پاکستان به زیور چاپ آراسته شد.^{۱۵}

تاریخ بناکتی:^{۱۶} ابوسلیمان داوود بن ابوالفضل محمد بناکتی، شاعر و ادیب زمان الجاتیو، غازان و ابوسعید، مؤلف **روضه الاولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب** می‌باشد که آن را در سال ۷۱۷ ق. به نثری ساده و در نه قسمت در زمان ابوسعید تألیف نموده است. از بزرگترین مزایای این کتاب اشاره به ملل غیرمسلمان مانند انگلیسی‌ها، پرتغالی‌ها، لهستانی‌ها و لومباردی‌ها است.

تاریخ گزیده:^{۱۷} تألیف حمدالله ابن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۵۰-۶۸۰ ق.) شاعر، مورخ و جغرافیدان ایرانی است. خاندان مؤلف از مستوفیان قدیم قزوین بوده‌اند که نسبت خود را به حربن یزید ریاحی می‌رسانند. **تاریخ گزیده** از شش باب تشکیل شده است و شامل خلاصه‌ای از وقایع عالم از ابتدا تا دوران خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی که کتاب را در سال ۷۳۰ ق. به نام این وزیر تألیف کرده است، می‌باشد.

روضه الصفا:^{۱۸} تألیف محمدبن خاوندشاه معروف به میرخواند (۹۰۳-۸۳۷ ق.) که وقایع جهان را از آغاز تا زمان نویسنده شامل می‌شود. **تاریخ فخری:** تألیف محمدبن علی طباطبایی معروف به ابن طقطقی (۷۰۹-۶۶۰ ق.) از اهالی موصل می‌باشد. کتاب **الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة** با همه ایجاز و درهم فشردگی مطالب، اخبار مهمی از خلفای اسلامی و وزرای ایشان و نیز اندکی درباره سلاطین و پادشاهانی که در خلال فرمانروایی خلفا ظهور کرده‌اند، را ارائه می‌دهد. اعتبار و

اهمیت کتاب الفخری که همواره آن را مورد توجه قرار داده است، همانا وجود روح انتقاد و خرده‌گیری در مطالب تاریخی آن است که تا قبل از وی، جز در مواردی بسیار کم، سابقه نداشته است.^{۱۹}

تاریخ شیخ اویس:^{۲۰} نوشته ابوبکر القطبی الاهری که به سبک و سیاق تاریخ‌های عمومی است و از ابتدای تاریخ بشری، یعنی هبوط حضرت آدم(ع) شروع می‌شود و تا زمان حیات مؤلف، که در روزگار سلطان شیخ اویس ایلکانی (۷۷۷-۷۵۷ ق.) بوده است، ادامه می‌یابد: این کتاب از جنبه تاریخ ایران در دوره ایلخانان مغول به خصوص سال‌های آخر حکومت ایشان و نیز تاریخ آذربایجان در این سال‌ها حائز اهمیت است.

زبدة التواریخ یا مجمع التواریخ: اثر شهاب‌الدین عبدالله بن عبدالرشید معروف به حافظ ابرو است. وی تألیفات بسیاری داشته است و **زبدة التواریخ** که در سال ۸۳۰ ق. به نام شاهزاده بایسنقر تیموری به پایان رسیده است، معروفترین کتاب او به شمار می‌آید. این کتاب در چهار جلد نوشته شده و به چهار ربع تقسیم گردیده است. حافظ ابرو با اطلاع کافی از اوضاع و احوال سیاسی دوران خود به این تألیف همت گمارده است.^{۲۱} آثار حافظ ابرو از نظر سادگی بیان و بهره‌گیری فراوان از منابع اصلی و دقت و صحت مطالب و بیان مؤجز و فراوانی اطلاعات اجتماعی و اقتصادی، ممتاز می‌باشند.^{۲۲} حافظ ابرو اثر دیگری به نام **ذیل جامع التواریخ رشیدی** داشته است که ترکیبی از ترجمه فارسی تاریخ **طبری** و آثار تاریخی خواجه رشیدالدین فضل‌الله و نظام‌الدین شامی است.^{۲۳}

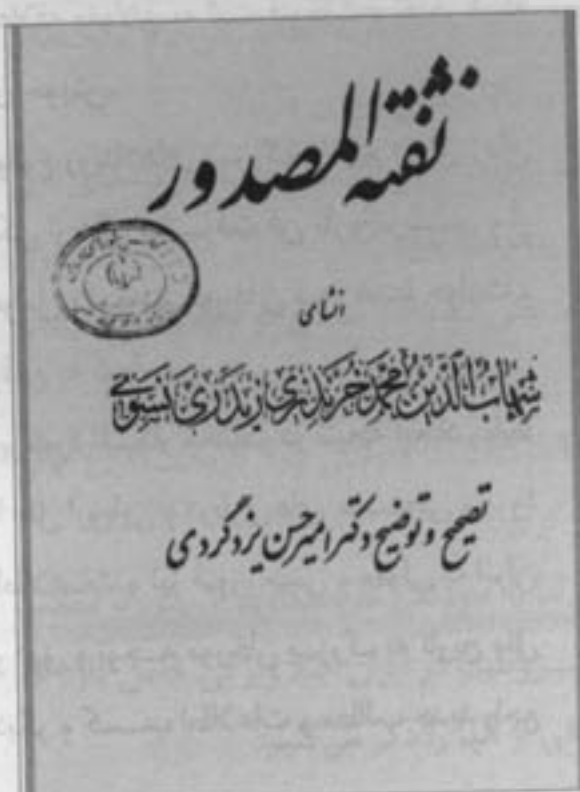
حبیب السیر فی اخبار افراد بشر: تألیف غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی مشهور به خواندمیر، از مورخان و ادیبان قرن دهم و یازدهم قمری است. خواندمیر در حدود سال ۸۸۰ ق. در هرات متولد شد و در اواخر سال ۹۴۲ ق. در هندوستان درگذشت. حبیب السیر در چهار جلد

نوشته شده است و هر جلد شامل چهار فصل می‌باشد. تألیف این کتاب در سال ۹۲۷ ق. آغاز شد و به سال ۹۳۰ ق. به پایان رسید. حبیب‌السیر به سبب پرداختن به وقایع اواخر دوره تیموریان و رویدادهای آغاز قدرت‌گیری صفویان دارای اهمیت زیادی است. خواندمیر در مقدمه‌ی این کتاب به معرفی دیگر تألیفات خود از جمله **خلاصه الاخبار و اخبار الاخیار**، **منتخب تاریخ و صاف**، **مکارم الاخلاق**، **مآثر الملوک و دستور الوزرا** و **نامه نامی پرداخته** است.^{۲۴}

۲- تواریخ خصوصی:

سیرت جلال‌الدین منکبرنی:^{۲۵} مؤلف این کتاب، محمدبن احمدبن علی بن محمد معروف به شهاب‌الدین محمدخرندزی زیدری نسوی، منشی و وزیر جلال‌الدین خوارزمشاه بوده است. این کتاب، سرگذشت پسر سلطان محمد خوارزمشاه در مدت یازده سال و داستان مختصر جنگ‌های او با چنگیز و لشکر مغول و لشکر کشی وی به نواحی مختلف است. انشای کتاب، فصیح و دل‌انگیز می‌باشد که در پاره‌ای موارد ساده و روان و گاهی مواقع فنی و مصنوع است.

نفثة المصدور: نویسنده این کتاب هم محمد نسوی بوده است. **نفثة المصدور**، رساله‌ای است در شکایت از روزگار حمله مغول و آن گونه که باید به لحاظ تاریخی در حد کتاب **سیره جلال‌الدین**



نیست. این رساله کوچک، نمایی جامع از وطن ما را در عصری که تاریکی وحشت بار سلطه بر آن سایه افکنده بود، به نمایش می‌گذارد. نسوی این کتاب را هفت سال پیش از تألیف **سیره جلال‌الدین** نگاشته است. این کتاب، نثری فنی و مصنوع اما عجیب شده با سادگی و روانی متن دارد.^{۲۶}

مطلع سعدین و مجمع بحرین:^{۲۷} نوشته مولانا کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی که بیانگر رویدادهای زمان حیات سلطان ابوسعید گورکانی تا سال ۸۷۳ ق. یعنی زمانی که وی از اوزون حسن آق‌قویونلو شکست خورد و به دست یادگار محمد، نواده شاهرخ به قتل رسید و نیز تاریخ دو سال حکومت سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۸۷۳ ق.) می‌باشد. نثر کتاب، ساده، روان و پرمغز است و قدر مسلم تحت تأثیر سبک نگارش قرن هشتم هجری قمری بوده است. این کتاب در دو جلد تألیف شده است و وقایع و حوادث این دوره را با دقتی کامل بیان داشته است.^{۲۸} بنابراین، از مندرجات آن می‌توان به عنوان مرجع و مأخذ مهمی بهره برد.

۳- تواریخ دودمانی:

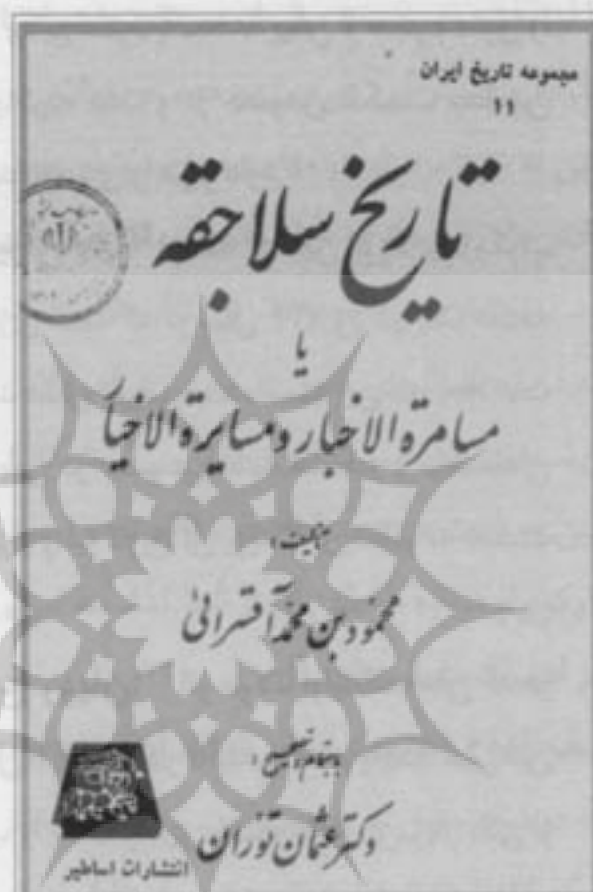
تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسامرة الاخبار:^{۲۹} تألیف محمودبن محمد مشهور به کریم آقسرائی. این کتاب هرچند آن‌گونه که از عنوانش پیدا است، اطلاعات مفیدی درباره سلاطین و طبقات در دوره سلجوقیان (به ویژه در کرمان) ارائه می‌دهد، اما بخش‌هایی را نیز به مغولان و خوارزمشاهیان اختصاص داده است که به این لحاظ اهمیت ویژه‌ای دارد.

تاریخ آل مظفر:^{۳۰} نوشته محمود کتبی. این کتاب، شرح حال سلاطین آل مظفر است.

سمط العلی للحضرة العلیا:^{۳۱} تألیف ناصرالدین منشی کرمانی که در تاریخ قراختائیان کرمان است و در فاصله سال‌های ۷۲۰-۷۱۵ ق. نوشته شده است. مؤلف کتاب در اصل یزدی بوده است و در هیچ جای اثر، به نام خود اشاره

نکرده است، و اطلاعات ما در مورد وی و این که **سمط العلی** نوشته او است، از گزارش‌های دیگر آثار وی به دست آمده است. این کتاب، تاریخ ملوک قراختایی کرمان را در فاصله ۷۰۳-۶۱۹ ق. با مقدمه‌ای مختصر بیان می‌کند و از آنجا که در رابطه با اوضاع آن ناحیه در دوره ایلخانان اطلاعات سودمندی به دست می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای دارد.

جهانگشای جوینی: اثر علاء‌الدین عطاملک بن محمد جوینی (۶۸۲-۶۲۴ ق.). خانواده



عطاملک از جمله خاندان‌های بزرگ و دیوانسالار و اهل جوین خراسان بود. اعضای خاندان جوینی، ابتدا در خدمت خوارزمشاهیان بودند و سپس به خدمت حکمرانان مغول درآمدند. اثر بزرگ عطاملک در حدود سال ۶۵۹ ق. نوشته شد. جلد اول جهانگشا درباره تاریخ امپراتوری مغول، از نخستین لشگرکشی‌های چنگیز خان تا زمان مرگ گیوک، جلد دوم در تاریخ دولت خوارزمشاهیان و همچنین تاریخ حکام و جانشینان چنگیز در ایران تا سال ۶۵۷ ق. و جلد سوم در مورد تاریخ لشکرکشی هلاکو به ایران (۶۵۶-۶۵۴ ق.) و نیز تاریخ اسماعیلیان الموت و دولت ایشان (۶۵۶-۴۸۳ ق.) می‌باشد.^{۳۲} نثر این کتاب مصنوع و متکلف است. جوینی همچنین کتاب دیگری به نام **تسلية الاخوان** که رساله‌ای است با نثر

مصنوع و پیچیده در شرح حال حاسدان خود، در سال ۶۸۰ ق. نوشته است.^{۳۳}

تاریخ وصاف: نوشته شهاب‌الدین عبدالله بن فضل شیرازی معروف به وصاف الحضرة که در سال ۶۳۳ ق. در شیراز متولد شد. نام دیگر این کتاب **تجزية الامصار و تجزیه الاعصار**^{۳۴} می‌باشد. تاریخ وصاف در واقع ذیلی است پنج جلدی بر **جهانگشای جوینی** و اطلاعات مفیدی از تاریخ ایلخانان به دست می‌دهد.

مواهب الهی در تاریخ آل مظفر:^{۳۵} تألیف معین‌الدین بن جمال‌الدین محمد معلم یزدی، که کتابی است در تاریخ دودمان مظفری (۷۹۵-۷۱۸ ق.). **مواهب الهی** با زندگی امیر مبارزالدین محمد مظفر آغاز شده است و تا سال‌های میانی فرمانروایی شاه شجاع را دربرمی‌گیرد. مهمترین ویژگی ادبی این کتاب، نثر پرتکلف، پیچیده و مصنوع آن است.

۴- تاریخ طبقات:

طبقات ناصری: یکی از مهمترین و معروفترین منابع تاریخی به زبان فارسی است که تقریباً هفت قرن پیش از این به قلم قاضی منهاج سراج جوزجانی در دهلی نوشته شده است. او که در دربار سلاطین غور و آل شنسب خدمت می‌کرده است، شاهد بسیاری از رویدادهای تاریخی اوایل حمله‌ی مغول نیز بوده است.^{۳۶}

۵- تواریخ وزارت و دیوانسالاری:

دستور الکتاب فی تعیین المراتب:^{۳۷} نوشته محمدبن هندوشاه بن سنجر نخجوانی که در زمان سلطان شیخ اویس بهادرخان (۷۷۶-۷۵۷ ق.) تألیف یافته است. این اثر شامل یک مقدمه، دو بخش و یک نتیجه است.

نسائم الاسحار من لطائف الاخبار:^{۳۸} تألیف ناصرالدین منشی کرمانی که در ۷۲۵ ق. نوشته شده است. این کتاب به زبان فارسی و در تاریخ وزرا می‌باشد و نویسنده آن هم عصر مغولان بوده است و نام اغلب وزرای ایلخانان را ذکر کرده

است به همین دلیل از اهمیت ویژه‌ای در زمینه‌ی تحقیقات تاریخی این دوره برخوردار است.

دستور الوزرا: اثر خواندمیر نویسندهٔ **تاریخ حبیب السیر** و از مورخان مشهور عصر تیموریان می‌باشد.^{۳۳}

همایون نامه:^{۳۴} نوشته محمدبن علی بن جمال الاسلام ملقب به منشی است. این کتاب برای بررسی و شناخت دیوانهای دوره مغول اطلاعات سودمندی دربردارد. در ضمن برای مشخص نمودن وظایف و عملکرد دیوانهای دوره مغول نیز قابل استفاده است.

۶- خراج و فتوح:

نزهدت القلوب:^{۳۵} تألیف حمدالله مستوفی در شرح جغرافیای مفصل ایران در دوره ایلخانان که کار آن در سال ۷۴۱ ق. پایان یافته است. نویسنده که از بسیاری از منابع اصلی استفاده کرده است، اطلاعات مهمی راجع به جغرافیای اقتصادی ایران در دوره ایلخانان ارائه می‌دهد.

تاریخ فتح بغداد: خواجه نصیرالدین طوسی در زمان فتح بغداد به دست هلاکو (در سال ۶۵۶ ق.) کتابی تألیف نموده است در خصوص وقایع فتح بغداد و ذیلی است بر کتاب **جهانگشای جوینی**. البته این بخش که به آخر جلد سوم کتاب جهانگشا الحاق گردیده است، در برخی از نسخه‌های آن وجود دارد.

۷- انساب:^{۳۶}

تاریخ سری مغولان: در حقیقت سبنامه‌ای است که برای چنگیز ذکر کرده‌اند. این کتاب که نه نویسنده‌ی مشخصی دارد و نه تاریخ تألیف آن معلوم است، به صورت حماسی و منظوم نوشته شده است.^{۳۷} این اثر به **یوان چانویی** شبیه نیز معروف است.

مجمع الانساب:^{۳۸} نوشته‌ی محمدبن علی بن محمد شبانکاره‌ای از شعرا و نویسندگان قرن هشتم هجری که در ولایت شبانکاره فارس متولد شد. وی در زمان سلطنت ابوسعید ایلخانی اقدام

به تألیف کتاب مجمع الانساب نمود. این کتاب برای بررسی وقایع اواخر دوره ایلخانان به ویژه وقایع بین سال‌های ۷۲۰ تا ۷۴۰ هجری قمری معتبر است. نثر کتاب که همراه با اشعاری از نویسنده است، خشک و پرتکلف می‌باشد.

۸- تواریخ محلی:

فضایل بلخ:^{۳۹} تألیف عبدالله بن عمر صفی‌الدین بلخی و ترجمه عبدالله محمدبن حسین بلخی است که کار نگارش آنرا در سال ۶۱۰ ق. به پایان رساند. از مشخصه‌های مهم این کتاب همین بس که وقایع حدود یک دهه پیش از هجوم مغول را بازگو کرده است و در خصوص شکست مسلمین مطالب مفیدی را دربر دارد.

شیرازنامه:^{۴۰} نوشته احمدبن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی است که در سال ۷۴۴ ق. در یک مقدمه و چند فصل تألیف شده است. این اثر اطلاعات شایانی در خصوص علما، مشاهیر و دانشمندان شیراز و نیز تاریخ آل بویه تا آل مظفر به دست می‌دهد.

تاریخ رویان:^{۴۱} اثر مولانا اولیاءالله املی که در سال ۷۶۴ ق. کار تألیفش اتمام یافت. املی این کتاب را به فخرالدین شاه غازی بن زیار یکی از افراد سلسله پادوسبانیان رویان تقدیم کرد. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هشت باب در تاریخ رویان از دوران باستان تا سال ۷۶۴ ه. ق. است. و دارای نثری ساده و بی‌تکلف است.

تاریخ یزد:^{۴۲} در قرن نهم قمری دو کتاب در

تاریخ محلی یزد تألیف شده است که مهمترین آنها تاریخ یزد جعفری است.

۹- مزارات و مقابر:

شداالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار:^{۴۳} معروف به **المزارت** یا **مزارات شیراز** در ۷۹۱ ق. نوشته شده است. این کتاب شرح حال و محل دفن بسیاری از رجال را در قبل و بعد از حمله مغول بیان داشته است.

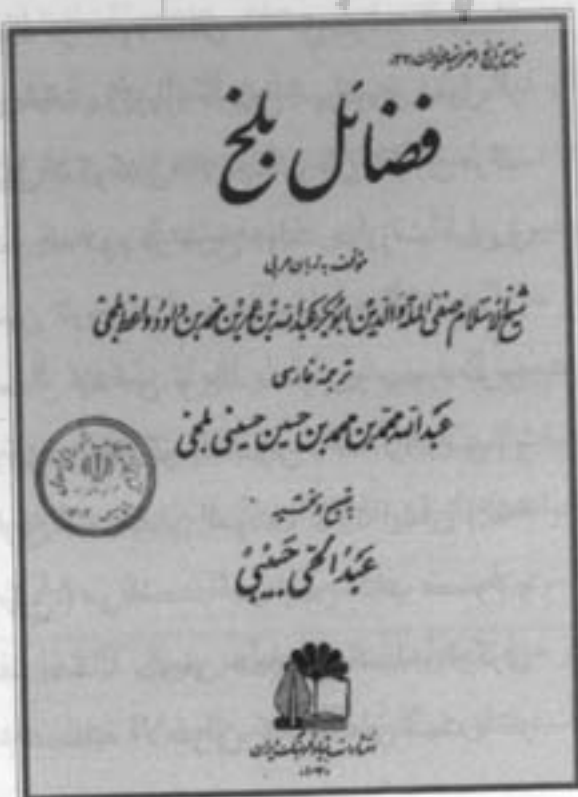
تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا:^{۴۴} نوشته احمدبن محمود ملقب به معین الفقرا که زمان حیات وی مشخص نمی‌باشد. تاریخ ملازاده شرح مدفن یکصد و شصت نفر از بزرگان است که در بخارا مدفونند. این کتاب در دو قسمت مجزا تقسیم شده است که در قسمت اول قبور درون شهر تا پنج فرسخ خارج از شهر و قسمت دوم قبور نواحی خارج از شهر را توصیف نموده است. این کتاب در حدود ربع اول قرن نهم نگارش یافته است.

۱۰- سفرنامه‌ها:

آثار البلاد و اخبار العباد:^{۴۵} تألیف زکریا قزوینی (متولد ۶۰۰ ق.) می‌باشد. قزوینی از جمله جهانگردانی بود که مشاهدات خود را از سرزمین خوارزمشاهیان به رشته تحریر درآورد. وی همچنین در جوانی به دمشق مهاجرت نمود. زکریا قزوینی کتاب دیگری نیز به نام **عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات** تألیف نموده است.

سفرنامه ابن بطوطه:^{۴۶} ابوعبدالله محمدبن عبدالله طنجه‌ای ملقب به ابن بطوطه (متولد ۷۰۳ ق.) بزرگترین جهانگرد عرب بود که بیست و نه سال از عمر خود را به مسافرت و یادداشت برداری از مشاهداتش مشغول بود.

سفرنامه‌های اروپاییان: جالب‌ترین و آگاهی دهنده‌ترین مدارک اروپایی مربوط به تاریخ مغول، گزارش‌های جهانگردان از امپراتوری مغول است.





مطالب شفاف‌تری نسبت به گزارش‌های کارپینی است و در اصل، اثر یک مشاهده‌گر بسیار زیرک است.

سفرنامه‌ی مار کوپولو: ۵۵ مار کوپولو در سال ۱۲۵۴ م. در ونیز متولد شد و سفرنامه مفصلی از شرح مسافرتش به سرزمین‌های مختلف در آسیا به جای گذارد. این سفرنامه به جهت آگاهی یافتن از اوضاع اجتماعی ایران در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم میلادی بسیار ارزشمند است. وی در سال ۱۲۹۵ م. به دربار خان بزرگ قوییلای قآن رفته وی بیست سال از عمر خود را در آسیا گذراند و بیشتر این دوره را در خدمت مغولان در چین به سر برد. او در مقایسه با پیشینیان خود، بخش‌های وسیع‌تری از امپراتوری مغول را دیده بود. سفرنامه‌ی او از معروف‌ترین کتاب‌هایی است که درباره امپراتوری مغول در دسترس می‌باشد. ارزشمندترین قسمت کار او گزارشی است که از چین به دست می‌دهد. اطلاعات ارائه شده توسط مار کوپولو درباره مناطقی که از آنها گذشته است نیز اهمیت خاصی دارند.^{۵۵}

سفرنامه‌ی هتوم: هتوم، پادشاه ارمنستان بود که در دوره مغول به سفر پرداخت و خاطرات خود را که از نظر شناسایی تاریخ مغول قابل توجه است، به نگارش درآورد.

۱۱- آثار منظوم:
تاریخ غازان خان: شمس‌الدین کاشانی به دستور غازان خان تاریخ منظوم مغولان را به عنوان **تاریخ غازان خان** سرود.^{۵۶}

غازان نامه: تاریخی منظوم، سروده‌ی خواجه نورالدین فرزند خواجه شمس‌الدین محمد اژدری می‌باشد. این تاریخ از سلطنت غازان شروع شده است و وقایع را تا سال ۷۹۸ ق. ادامه داده است.^{۵۸} این منظومه در بحر متقارب و بر وزن شاهنامه فردوسی سروده شده است.

شاهنشاه نامه: ۵۹ این اثر به دستور سلطان ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ ق.) و توسط احمد تبریزی به نظم درآمد.

وقایع نگاران اروپایی غالباً به آنچه که در دورترین نقاط آسیا می‌گذشت توجهی نداشتند، مگر هنگامی که با رویداد مهمی به نام هجوم مغول به روسیه و اروپای شرقی (۴۲-۱۳۲۷ م.) مواجه شدند و ناگزیر برای اطلاع از اوضاع شرق یا به مسافرت به آسیا همت گماردند و یا از نوشته‌های جهانگردان بهره بردند.

کامل‌ترین گزارش که برجای مانده است گزارش ماتئو پاریس مورخ سنت آلبان است. اطلاعات دقیقی او تا اندازه‌ی زیادی با افسانه، نظریه‌پردازی و قصه‌های بلند خودساخته، درآمیخته است. علاوه بر نامه‌هایی که توسط ماتئو پاریس ضبط شده است، مکاتبات دیپلماتیک قابل ملاحظه‌ای هم که میان حکمرایان مغولی و اروپایی رد و بدل می‌شده است، موجود می‌باشند. این نامه‌ها به عنوان مدارک مستند و ارزشمند، ما را از چگونگی مناسبات مغول‌ها و اروپاییان آگاه می‌سازد.

از میان تیزبین‌ترین گزارشگران اروپایی که در این زمینه مطلب نوشته‌اند، می‌توان به دو راهب فرانسوی به نام‌های ژان پلانو کارپینی^{۵۲} و ویلیام دوبروک اشاره نمود. کارپینی در دهه ۱۲۴۰ م. / ۶۳۷ ق. در پی هجوم مغولان به اروپا از طرف پاپ اینونست چهارم به مغولستان اعزام شد. وی به عنوان سفیر دربار پاپ از طریق اروپای شرقی و روسیه جنوبی به اردوگاه خان بزرگ (در قراقرم) رفت. هدف کارپینی و هیأت همراهش در واقع انجام فعالیت‌های جاسوسی و تهیه گزارشی از اوضاع مغولان بود که زیر عنوان **داستان مغولان یا حکایت تاتار** تنظیم گردید.^{۵۳}

یکی دیگر از فرستادگان پاپ به دربار مغول، آسه لینوس بود که گزارش سفر او توسط همسرش، سیمون سنت کوئنتین ثبت شده است. این اثر سرشار از مطالب جذاب و گزارش‌های جالبی از جمله مراسم تاجگذاری گیوک را که بسیار مفصل‌تر از گزارش‌های کارپینی از این رویداد است، می‌باشد. کتاب دوبروک حاوی

ظفرنامه: ۶۰ حمدالله مستوفی در حدود سال ۷۳۶ ق. تاریخ بزرگ منظومی مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت در بحر متقارب به پایان رساند. منظور وی از سرایش این تاریخ، ادامه‌ی کار فردوسی در شاهنامه بود. **ظفرنامه وقایع** را به سال ۷۳۳ ق. رسانده است در این اثر بعضی وقایع تاریخی نقل شده است که در هیچیک از آثار دیگر به چشم نمی‌خورد. حمدالله مستوفی، همچنین کتاب دیگری به نام **تاریخ گزیده** تألیف نموده است که اخبار موثقی درباره‌ی جلایریان و چوپانیان به دست می‌دهد.^{۶۱}

۱۲- فرهنگ‌نامه‌ی تاریخی:

اسدالغابه فی معرفه صحابه: ۶۲ نوشته‌ی ابن اثیر در تراجم احوال صحابه است. این کتاب مشتمل بر ۷۵۰۰ شرح حال است.

۱۳- تاریخ سالنامه‌ای:

تاریخ الجایتو: ۶۳ نوشته‌ی عبدالله بن محمد القاشانی است. این کتاب به صورت سالشماری در دوره‌ی الجایتو نگارش یافت و از مهمترین و بالارزش‌ترین منابع دوره‌ی ایلخانی به شمار می‌آید و از نثری مصنوع و متکلف برخوردار است. نویسنده‌ی کتاب، اثر دیگری به نام **زبده التواریخ** در تاریخ مغول و خوارزمشاهیان نگاشته است.

۱۴- جغرافیایانویسان (جغرافیای تاریخی):

معجم البلدان:^{۶۴} نوشته‌ی یاقوت حموی (وفات ۷۲۹ ق. / ۱۳۲۹ م.) است. نویسنده، هجوم مغول به خوارزم و ماوراءالنهر را به چشم دیده است و مشاهدات خود را در کتاب مذکور منعکس نموده است.

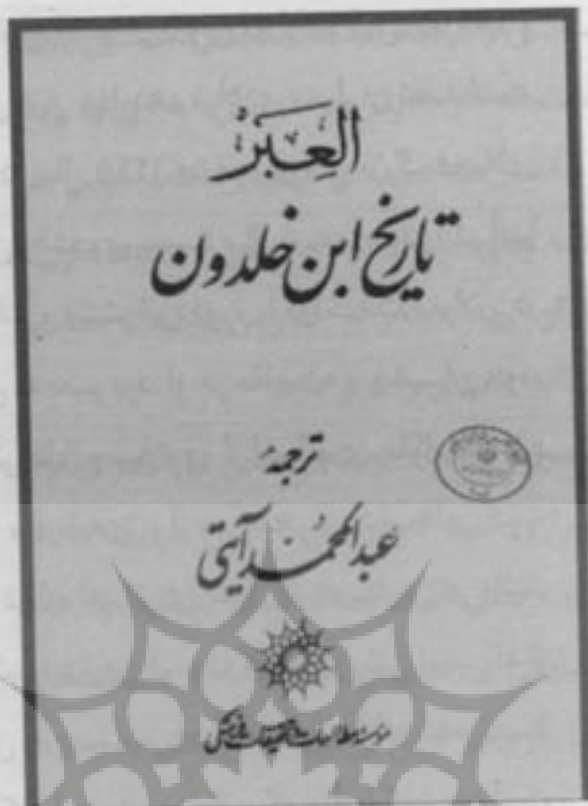
تقویم البلدان:^{۶۵} یا **اوضح المسالك الى معرفت البلدان و الممالک**، تألیف ابوالفداء که در سال ۷۳۱ ق. نگارش یافت. این اثر اطلاعات ارزشمندی درباره شهرها و اماکن تاریخی دوره مغول و به ویژه ایلخانی به دست می‌دهد.

جغرافیای حافظ ابرو:^{۶۶} نوشته‌ی شهاب‌الدین عبدالله خوافی مشهور به حافظ ابرو (متوفی ۸۳۳ ق.) است. این کتاب به پیشنهاد حافظ ابرو و قبول شاهرخ تیموری تألیف شد. این اثر تا اواسط قرن نوزدهم ناشناخته مانده بود و در نهایت توسط بارتولد معرفی گردید.

د - نقد و بررسی فارسی‌نویسان دوره مغول:

در منابع فارسی دوره مغول و به ویژه ایلخانی، نوعی بی‌توجهی یا کم‌توجهی به برخی از مسائل این دوره وجود دارد. در این خصوص، رویدادهای مربوط به روابط مغولان با دولت ممالیک بیش از هر نکته‌ای جلب توجه می‌کند. آشکار است که رابطه با ممالیک و چگونگی آن مهمترین مسأله مورد نظر ایلخانان بوده است و از جهاتی سیاست داخلی آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داده است. با این وجود، در بسیاری موارد تاریخ‌نویسان فارسی زبان با این امر یا به سکوت و یا کم‌توجهی برخورد نموده‌اند. این موضوع شاید از یک سو، به اختلاف دیدگاه‌های مورخان فارسی زبان دستگاه ایلخانی و مورخان عرب زبان دستگاه ممالیک مربوط بوده است و از سوی دیگر، ناشی از میزان اهمیت مسائل مطرح شده برای هریک از دو قدرت مورد نظر بوده است. به هر ترتیب، مطالب منابع عربی در این زمینه دقیق‌تر و فراگیرتر می‌باشد، به ویژه در رابطه با تاریخ جهان اسلام.^{۶۷} در منابع فارسی به اموری همانند مسأله حج و

چگونگی انجام این فریضه مهم توسط مسلمانان قلمرو ایلخانی و رقابتی که بر سر این مسأله میان مسلمانان وجود داشت، عملکردهای دینی و مذهبی ایلخانان در حرمین شریفین، حمایت آنها از شیعیان زیدی مکه، تلاش در جهت کسب نفوذ در حجاز، عملکرد اقلیت‌های دینی و اتحاد عمل آنها با مغولان علیه مسلمانان هنگام حمله به



شام، مسائل مربوط به روابط مملوکان با اولوس جوجی و اتحاد آنها علیه ایلخانان، مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و به ویژه آوردن متن برخی نامه‌ها که در منابع فارسی نیامده است، چگونگی برخورد مغولان با مسلمانان مصر و شام و درگیری‌ها و نبردهای مربوط به آن و... کمتر و یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند.^{۶۸}

با این وجود، باید در نظر داشت که اگر گرایش‌های تاریخی موجود به زبان فارسی در این دوره وجود نداشت، بسیاری از آگاهی‌های ارزشمند حال حاضر درباره امپراتوری ایلخانان نیز هرگز دانسته نمی‌شدند و به قولی اگر اغراق نباشد، هیچ یک از مردمان دیگر، اثری قابل قیاس با منابع فارسی به وجود نیاورده‌اند.^{۶۹}

۵- نقد و معرفی منابع عربی دوره مغول: سبک و نگارش مورخان عربی زبان در مراحل مختلف دولت ایلخانی متفاوت بوده است. در عصر ایلخانان غیرمسلمان و در

زمان غازان نومسلمان که مناسبات خصمانه‌ای با دولت ممالیک داشتند، ایلخانان از سوی مورخان عرب مورد حمله قرار گرفته‌اند و با عناوین کافر و ملعون و صفاتی از این قبیل خوانده می‌شدند. در این ارتباط اسلام آوردن غازان، غیرواقعی جلوه نمود و در هر زمینه سعی در برتری بخشیدن به ممالیک و ضعیف جلوه دادن رقیب می‌شده است. در عهد ایلخانان مسلمان پس از غازان و به ویژه در دوران حکومت ابوسعید، به پیروی از روابط مسالمت‌آمیز، لحن و بیان منابع عربی آرام شد و حتی از دولت ایلخانی با عنوان دولتی مسلمان یاد کردند.

مهمترین ویژگی منابع عربی نسبت به منابع فارسی، مطالب اضافه‌ای است که در منابع فارسی نیامده است.

به ویژه در برخورد با ممالیک، تاریخ‌نویسان عرب دقت لازم را دارند و مورخان فارسی نویس که در خدمت ایلخانان بودند از این موضوع با چشم پوشی گذشته‌اند. در منابع فارسی، وقایع براساس هر دوره سلطنت بیان شده است اما در منابع عربی به ترتیب ایام و به روش سرشماری رویدادها ذکر شده‌اند و حوادث از نظم و هماهنگی بیشتری برخوردارند، بنابراین، جستجوی مطالب ارائه شده آسانتر است.^{۷۰}

مهمترین منابع عربی:

- ۱- **البدایه و النهایه فی التاریخ**، نوشته‌ی ابن کثیر.^{۷۱}
- ۲- **السلوک لمعرفة دول الملوک**، تألیف مقریزی.^{۷۲}
- ۳- **العسجد المسبوک**، اثر ملک اشرف غسانی.
- ۴- **العبر**، تألیف ابن خلدون.^{۷۳}
- ۵- **المختصر فی اخبار البشر**، نوشته‌ی ابوالفداء.^{۷۴}
- ۶- **النجوم الزاهرة ملوک مصر و قاهرة**، تألیف ابن تعزی بردی.^{۷۵}

۷- الوافی بالوفیات، اثر صفدی.^{۷۶}

۸- بدایع الزهور و وقایع الدهور تألیف ایاس حنفی.^{۷۷}

۹- مسالک الابصار فی اخبار ممالک الامصار، تألیف احمد عمری.^{۷۸}

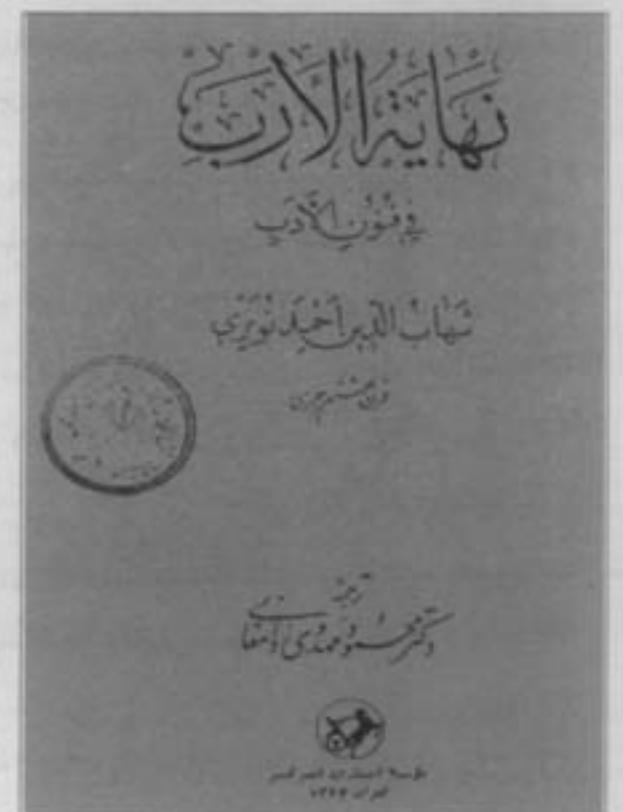
۱۰- نهایة الارب فی فنون الادب، تاریخی است عمومی و تألیف نویری.^{۷۹}

۱۱- سفرنامه ابن بطوطه.

و - منابع مسیحی، سریانی و چینی

۱- منابع ارمنی:

در دوره مغول، آرامنه نیز مانند مسیحیان در اروپا، در کنار فعالیت‌های تجاری به تبلیغ آیین عیسی (ع) هم می‌پرداختند. از این جهت، در آثار باقی‌مانده از ادب ارمنی



اطلاعاتی در باب قوم مغول و تاریخ آنها به دست می‌آید که هرچند به گفته بارتولد از حیث کثرت به پای منابع اسلامی و اروپایی نمی‌رسند، اما قابل توجه هستند. درباره رویدادهای دوره مغول در آثار مالکیا^{۸۰}، واناگون^{۸۱}، کیراکوز^{۸۲} و وردان^{۸۳} اطلاعات سودمندی آمده است. یادداشت‌های مالکیا به ویژه بسا تاریخ سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه ارتباط دارد.

۲- منابع گرجی:

Kcártclis Chovrena از مشهورترین

آثار گرجی است. گزارش‌های این اثر در زمینه اطلاعات سیاسی مربوط به فرمانروایی مغولان از آثار ارمنی مفصل‌تر است. در تواریخ گرجیان واقع‌بینی بیشتری وجود دارد و روابط ایشان با مغولان به نسبت بد نبود.

۳- منابع سریانی:

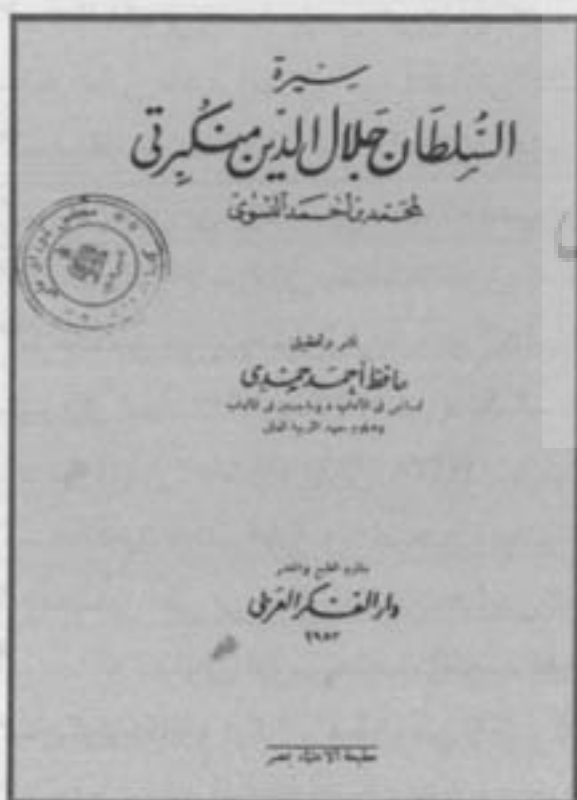
منابع سریانی این دوره از تاریخ ایران برخلاف دوره پیش از اسلام، چندان زیاد نیست و این شاید بدان سبب باشد که با ورود عرب به ایران از رونق زبان سریانی کاسته شد. به هر روی، از آثار به جای مانده از این گروه منابع می‌توان به تاریخ میکائیل سریانی که شابو ترجمه کرده است و نیز تاریخ مجهول المؤلف سریانی که در قرن چهاردهم میلادی در ترجمه حال یک جاثلیق نسطوری تألیف شده است و همچنین وقایعنامه سریانی این عبری را نیز که باجز آن را طبع و ترجمه کرده است،^{۸۴} اشاره کرد. گفتنی است که این عبری کتاب دیگری نیز به نام تاریخ مختصر الدول دارد که به زبان‌های سریانی، عربی و... نوشته شده است.^{۸۵} کتاب بارهبرائوس^{۸۶} نیز یکی از جالب‌ترین و مهمترین مراجع ما برای این دوران است. او شرح حال و وضع مغولان پیش از حمله به ایران را از منابع فارسی اقتباس کرده است.^{۸۷} کتاب دیگری نیز به زبان سریانی وجود دارد که سرگذشت جلها سوم، جاثلیق کلیسای نسطوریان را توصیف می‌کند. این اثر وضع داخلی کلیسا و رابطه مغولان با مسیحیان را به طور بسیار روشن بر ما آشکار می‌سازد.^{۸۸}

۴- منابع چینی:

این منابع در زمینه فرمانروایی مغول در چین، کامل و اساسی هستند. البته هرچند گفته می‌شود که در میان تاریخ‌های سلسله‌ای رسمی چین، یوان - شیه^{۸۹} احتمالاً از همه ضعیف‌تر است. این اثر نیز مانند دیگر منابع چینی این دوره، غالباً جز به چین به دیگر بخش‌های جهان چندان توجهی ندارد و هیچ یک از بخش‌های آن به خان‌نشین‌های دیگر

مغول اختصاص نیافته است. مورخان این اثر را پس از سقوط حکومت مغولان در چین به دستور امپراتور مینگ^{۹۰} تألیف کردند. یوان - شیه در چهار باب و ۲۱۰ فصل تنظیم شده است و نخستین باب در بردارنده زندگینامه سیزده تن از خانان بزرگ مغول همراه با اسناد حکومتی است.^{۹۱}

به هر روی، منابع چینی گرچه آشکارا برای مطالعه مهمترین بخش امپراتوری مغول یعنی چین، مبنا محسوب می‌شوند، اما برای مطالعه تاریخ امپراتوری به طور کلی کاربردی محدود ندارد. البته نباید این مطلب را از نظر دور داشت که بخش‌های موضوعی مفصل یوان - شیه دست کم در پاره‌ای موارد با مطالعات کلی درباره مغولان در این دوره ارتباط دارد. تعدادی از این فصل‌ها ترجمه شده‌اند و از آن میان به ویژه فصل‌های مربوط به اقتصاد و سازمان نظامی برای درک خط مشی مغولان در خارج از چین مطالب جالب توجهی دارند. تاریخ‌های چینی با گزارش تعدادی از جهانگردان چینی که با فرمانروایان دیدار کرده‌اند، به گونه‌ای سودمند تکمیل شده است. از میان این عده، گزارش سفر راهب تائوسی و چنانگ چون که به قصد ملاقات



با چنگیزخان از چین به مغولستان سفر کردند (۱۲۲۳-۱۲۲۱ م.) و همچنین گزارش‌های دو سفیر دولت سونگ (در چین جنوبی) در دربار مغول که در سال‌های ۱۲۲۱ م. و ۱۲۲۷ م. تدوین شده‌اند، به ویژه چشمگیر است. در حال حاضر ترجمه آلمانی

۱- alitadari_info@yahoo.com (دانشجوی دکترای تاریخ)

- ۲- یعقوب آژند، تاریخنگاری در ایران (تهران: گستره، ۱۳۸۰)، ص ۹۵ و ۹۶/ ۳- برتولد ایشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه‌ی محمودمیر آفتاب (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ج ۶)، ص ۵/ ۴- غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی خواندمیر، حبیب‌السیبر، ۴ ج، با مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی وزیر نظر محمد دبیرسیاقی (تهران: خیام، ۱۳۶۲) مقدمه. ۵- منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان (تهران: آگاه، ۱۳۷۰، ج ۲) ص ۳۷۰.
- ۶- آژند، همان، ص ۹۵/ ۷- همان، ص ۹۹/ ۸- ه. آر. گیب و دیگران، تاریخنگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آژند (تهران: گستره، ۱۳۶۱)، ص ۱۸۰.
- ۹- همان، ص ۱۶۴/ ۱۰- عزیزالله بیات، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰، ج ۲)، ص ۸۷/ ۱۱- همان، ص ۹۰ و ۹۱/ ۱۲- فرانتس روزنتال، تاریخنگاری در اسلام، ترجمه‌ی اسدالله آزاد (تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵)، ص ۱۶۸.
- ۱۳- قاضی ناصرالدین بیضاوی، نظام‌التواریخ، به کوشش میرهاشم محدث (تهران: موقوفات افشار، ۱۳۸۲)، ۱۴/ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، ۴ ج، تصحیح و تحشیه‌ی محمد روشن و مصطفی نبوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳)، ۱۵/ ———، مکاتبات رشیدی، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد شفیع (لاهور: ایجو کیشنل پریس، ۱۳۳۳)، ۱۶/ داوود بن محمد بناکتی، تاریخ بناکتی، به کوشش جعفر شعار (تهران: انجمن آثار و انتشارات مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸).
- ۱۷- حمدالله مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، به سعی و اهتمام ادوارد براون (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۱، ج ۲)، ۱۸/ میرخواند، روضة‌الصفاء، ۶ ج، به اهتمام عباس زریاب خونی (تهران: علمی، ۱۳۷۵، ج ۳)، ۱۹/ ابن طباطبا (ابن طقطقی)، تاریخ فخری، ترجمه‌ی محمودحیدر گلپایگانی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰)، ۲۰/ ابوبکر القطبی الاهری، تاریخ شیخ اویس، با مقدمه و ترجمه به انگلیسی ین فون لون (لاسه: چاپخانه لیسکسیور، ۱۳۷۳ ق).
- ۲۱- بیات، همان، ص ۱۵۴ و ۱۵۶/ ۲۲- ن. و. پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز (تهران: پیام، ۱۳۵۴، ج ۴)، ص ۳۸۹.
- ۲۳- حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، به تصحیح خانبابا بیانی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱، ج ۲)، ۲۴/ خواندمیر، حبیب‌السیبر، ج ۱، زیر نظر دبیرسیاقی (تهران: خیام، ۱۳۶۲، ج ۳)، ص ۱۰-۱/ ۲۵- شهاب‌الدین محمد خرندزی زبیری نسوی، سیرت جلال‌الدین منکبرنی، تصحیح و مقدمه‌ی مجتبی مینوی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۵۶)، ص ۱/ ۲۶- جعفر حمیدی، تاریخنگاران (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲)، ص ۲۴۰-۲۳۱.
- ۲۷- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌سعدین و مجمع‌بحرین، ۳ ج، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ۲۸/ حمیدی، همان، ص ۳۲۵-۳۲۹/ ۲۹- محمودبن محمد افسرایی، تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسامرة الاخبار، به اهتمام عثمان توران (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ج ۲)، ۳۰/ محمود کتبی، تاریخ آل مظفر، به اهتمام و تحشیه‌ی عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ج ۲)، ۳۱- ناصرالدین منشی کرمانی، سمط‌العلی‌الحضرة‌العلیاء، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ج ۲).
- ۳۲- عطاالملک بن محمد جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، ۳ ج، به اهتمام عبدالوهاب قزوینی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵)، ۳۳/ ———، تسلية الاخوان، تصحیح عباس ماهیار (تهران: گروه انتشاراتی آباد، ۱۳۶۲).
- ۳۴- عبدالله بن فضل‌الله و صاف‌الحضرة، تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار، ۳ ج، ترجمه‌ی عبدالمحمد ایتی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵).
- ۳۵- معین‌الدین بن جلال‌الدین محمد، مواهب‌الهی در تاریخ آل مظفر، با تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی (تهران: کتابخانه اقبال، ۱۳۲۶).
- ۳۶- منهای‌السراج جوزجانی، طبقات ناصری، به سعی عبدالحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱.
- ۳۷- محمدبن هندوشاه نخجوانی، دستورالکتاب فی تعیین مراتب، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده (مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی سابق، انستیتو ملل آسیا، ۱۹۶۴ م/ ۱۳۴۳ ش)، ۳۸- ناصرالدین منشی کرمانی، تسلیم الاسحار من لطائف الاخبار، تصحیح و مقدمه‌ی میرجلال‌الدین حسینی ارموی «محدث» (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸).
- ۳۹- خواندمیر، دستور الوزراء، با تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی (تهران: اقبال، ۱۳۷۱).
- ۴۰- محمدبن علی بن جمال‌الاسلام، همایون‌نامه، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ (تهران: دانشگاه ملی، ۱۳۵۶).
- ۴۱- حمدالله مستوفی قزوینی، نزهت‌القلوب، تعلیقات و فهارس به کوشش محمد دبیر سیاقی (قزوین: طه، ۱۳۷۸).
- ۴۲- پیگولوسکایا و دیگران، همان، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.
- ۴۳- ج. ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ج ۲)، ص ۱۸۶ و ۱۸۷ و همچنین ر.ک. به: عباس اقبال، تاریخ مغول و اوایل تیموری (تهران: نشر نامک، ۱۳۷۶).
- ۴۴- محمد شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳).
- ۴۵- عبدالله بن عمر صفی‌الدین بلخی، فضائل بلخ، تصحیح و تحشیه‌ی عبدالحی حبیبی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰).
- ۴۶- احمدبن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زکوب شیرازی، شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰).
- ۴۷- مولانا اولیاء‌الله املی، تاریخ رویان، به تصحیح منوچهر ستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸).
- ۴۸- جعفر بن محمد جعفری، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸).

- ۴۹- جنید بن محمود شیرازی، سدالآزار فی حط الاوزار عن زوار المزار، به تصحیح و تحشیه‌ی نورانی وصال (تهران: کتابخانه‌ی احدی، ۱۳۶۴).
- ۵۰- احمد بن محمود معین الفقرا، تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا، مقدمه و تصحیح احمد گلچین معانی (تهران: ابن سینا، ۱۳۳۹).
- ۵۱- زکریا بن محمد قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه‌ی عبدالرحمن شرفکندی (هزار) (تهران: مؤسسه‌ی علمی اندیشه‌ی جوان، ۱۳۶۶).
- ۵۲- محمد بن عبدالله طنجه‌ای، ابن بطوطه، سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ترجمه‌ی علی محمد موحد (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷).
- ۵۳- جووانی دی پلانو کابینی، سفرنامه پلان کابین، ترجمه‌ی ولی الله شادان (تهران: فرهنگسرای یساولی، ۱۳۶۳).
- ۵۴- دیوید مورگان، مغول‌ها، ترجمه‌ی عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱)، ص ۲۹-۳۴.
- ۵۵- مارکوپولو، سفرنامه‌ی مارکوپولو، ترجمه‌ی حبیب‌الله صحیحی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰).
- ۵۶- مورگان، همان، ۲۹-۳۴، ۵۷- نگارنده در پی جستجوی فراوان نتوانست نسخه‌ای چاپ شده از این اثر بازابد.
- ۵۸- نورالدین محمد نوری اژدری، غازان نامه منظوم، به کوشش محمود مدبری (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۱).
- ۵۹- نگارنده دریافتن نسخه‌ای از شاهنشاه نامه نیز ناکام ماند.
- ۶۰- حمدالله مستوفی قزوینی، ظفرنامه، زیر نظر نصراله پورجوادی (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷)، ۶۱- تاریخ گزیده، به سعی و اهتمام: ادوارد براون (تهران: دنیای کتاب: ۱۳۶۱).
- ۶۲- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق خلیل مأمون سیحا (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق. / ۱۳۷۶ ش.).
- ۶۳- عبدالله بن محمد القاشانی، تاریخ الجایتو، به اهتمام همبلی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸).
- ۶۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، ترجمه‌ی علینقی منزوی (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰).
- ۶۵- اسماعیل بن علی ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹).
- ۶۶- حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ۳ ج، مقدمه، تصحیح و تحقیق صائق سجادی (تهران: بنیاد و دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵).
- ۶۷- ابوالفضل رضوی، نگاهی گذرا بر تاریخنگاری مملوکان و تعارض با ایلخانان، «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» س ۲، ش ۳، (۳ دی ۱۳۷۷): ص ۲۹.
- ۶۸- همان، ص ۲۹.
- ۶۹- مورگان، همان، ص ۲۱-۲۴.
- ۷۰- رضوی، همان، ص ۲۸ و ۲۹.
- ۷۱- ابوالفداء الحافظ ابن کثیر، البدایه و النهایه فی التاریخ (بیروت: مکتبه المعارف، ۱۴۰۸ ق. / ۱۳۶۷ ش.).
- ۷۲- احمد بن علی المقریزی، السلوک لمعرفه دول المملوک، صحه و حواشیه محمد مصطفی زیاده (قااهره: لجنه التالیف و الترجمه و النشر، ۱۹۴۲-۱۹۴۱ م.).
- ۷۳- عبدالرحمان بن محمد بن خلدون، العبر، ۶ ج، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی (تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳).
- ۷۴- اسماعیل بن علی ابوالفداء، المختصر فی الاخبار البشر، ۲ ج (مصر: عبداللطیف الخطیب و شرکاء، ۱۳۲۵ ق. / ۱۲۸۵ ش.).
- ۷۵- یوسف بن تعزی بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر (قااهره: وزارة الثقافه و الإرشاد القومي، المؤسسه المصریه العامه، ۱۳۹۲-۱۳۸۳ ق. / ۱۳۵۱-۱۳۴۲ ش.).
- ۷۶- خلیل بن ایبک صفدی، الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الارناؤوطا ترکی مصطفی (بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق. / ۱۳۷۸ ش.).
- ۷۷- محمد بن احمد بن ایاس الحنفی، بدائع الزهور و وقایع الدهور، ۵ ج، مقدمه حواشیه محمد مصطفی (قااهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۴۰۳ ق. / ۱۳۶۲ ش.).
- ۷۸- احمد بن یحیی ابن فضل الله عمری، مسالک الابصار فی معالم الامصار، مصدر و قواعد استخراج، تعاون مع علاء الدین جوخوشا، ایکهارد نویباور (فرانکفورت: جامعه فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق. / ۱۳۶۷ ش.).
- ۷۹- احمد بن عبدالوهای نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، ۱۰ ج، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷-۱۳۶۴).
- ۸۰- Malkia. - ۸۱- Vanacon - ۸۲- Vardan - ۸۳- Kirakos
- ۸۴- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰، ج ۹)، ص ۷۴.
- ۸۵- غریغور ریوس ابوالفرج اهرن ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴).
- ۸۶- کتاب وی Maktebnut Zabne نام دارد.
- ۸۷- اشپولر، همان، ص ۱۲.
- ۸۸- همان، ص ۱۲.
- ۸۹- یوان - شیبه، منطبق بر انگاره‌ای از تاریخنگاری است که چینی‌ها ۱۲۰۰ سال پیش بنیان نهاده‌اند.
- ۹۰- Ming.
- ۹۱- مورگان، همان، ص ۱۹ و ۲۰.
- ۹۲- همان، ص ۱۹ و ۲۰.